

کتاب شب امتحان عربی (۲) یازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🙄) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۲) نیاز دارید، تنها در ۱۴ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! **یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.

فهرست

پاسخ‌نامه	آزمون	نوبت	توضیح
۳۶	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۳۷	۶	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۳۸	۹	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۳۸	۱۲	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۳۹	۱۵	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۴۰	۱۸	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۴۱	۲۱	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۴۲	۲۴	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۴۳	۲۷	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۴۴	۲۹	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۴۴	۳۱	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۴۵	۳۴	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)



ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	عربی زبان قرآن (۲)
درس اول						
۱	اكتب في الفراغ عدداً مناسباً. سَبْعَةَ عَشَرَ زَائِدًا ثَلَاثَةَ عَشَرَ يُسَاوِي	برای حل این سوال، علاوه بر دوستن عددها در عربی، ریاضیونیم باید خوب باشه!				
۲	عین اسم التفضیل فی العبارة ثم ترجم اسم التفضیل فقط. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.	اسم تفضیل وزن به مقصودی داره! گاهی هم کمی تغییر قیافه می‌ده!				
۳	ترجم الجملة إلى الفارسیة المألوفة. هذا نموذجٌ تَرَبُّوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.	این سوال معمولاً از متن درس‌ها طرح می‌شه! لطفاً به متن درس‌ها عنایت ویژه‌ای داشته باشید!				
۴	عین الكلمة الغریبة فی المعنی. فَنَ □ صَلاة □ صَوم □ حَجَّ □	یک کلمه معمولاً قبلی پرته!				
۵	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) نَمُوذَجٌ: ب) نُهَاءٌ:	جدول جمع مکسر درس نامه‌ها می‌تونه برای این سوال خیلی کمکتون کنه!				
۶	عین اسم المكان فی هذه الجملة ثم ترجمه. مَنْزِلٌ جَدَّتِي قَرِيبٌ مِنْ شَارِعِ «مَطْهَرِي».	اسم مکان هندتا وزن داره. یکیش قبلی بیشتر استغاره می‌شه!				
۷	إنتخب الترجمة الصحيحة. إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ. ۱) بی گمان زشت ترین صداها، صدای خران است. ۲) بی شک صدای خران، بسیار زشت است.	دنبال شاه‌کلیدها باشید توی این سوال؛ منظورم شاه‌کلیدهای ترجمه است!				
۸	أعرب الكلمات التي تحتها خطٌ. عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	این سوال مربوط می‌شه به کتاب سال دهم! باید کتاب سال پیشتون رو خوب بلد باشید!				
۹	ترجم الكلمات التي تحتها خطٌ. الف) لَا تَقْتَرِبُوا مِنَ الشَّارِعِ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ. ب) إِنَّكَ سَرْتُ إِحْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي الْمُحْتَبَرِ. ج) مَا سَافَرْنَا حَتَّى الْآنَ إِلَى كَرْبَلَاءِ الْمُقَدَّسَةِ. د) تَعَلَّمُ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ. هـ) قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. و) سَوْفَ يُعَلِّمُ الْمَدْرَسَ الثَّلَاثِمِذَّ قَوَاعِدَ هَذَا الدَّرْسِ.	نوع و زمان فعل رو باید تشخیص بدین تا در عملیات ترجمه موفق باشید!				
درس دوم						
۱۰	ترجم الجملتين إلى الفارسیة المألوفة. الف) وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِذْ لَمْ تَكُنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي. ب) مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.	متن درس‌ها رو برای این سوال خوب بفهمن!				
۱۱	عین اسم الفاعل أو اسم المفعول أو اسم المبالغة. الف) إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسَّوْءِ. ب) هَذِهِ مِنَ الطَّائِرَاتِ الْحَرِيبَةِ الْمُتَهَاجِمَةِ.	اسم مبالغه که وزن مقصودی داره. اسم فاعل و مفعول هم در ثلاثی مؤنذ و مزید به شکل‌های مختلفی ساخته می‌شن!				
۱۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة) فَلَاةٌ - رَكْبٌ - قُرْبٌ - صَحْرَاءٌ - بُعْدٌ الف) = ب) ≠	جدول مترادف و متضاد درس نامه‌ها می‌تونه توی حل این سوال خیلی بهتون کمک کنه!				

ردیف	آزمون شماره ۱	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	شماره
۱۳	عین الكلمة الغريبة في المعنى. طَنَان <input type="checkbox"/> زَفْرَاق <input type="checkbox"/> رِمَال <input type="checkbox"/> نَقَارِ الحَشَب <input type="checkbox"/>	درس سوم	به کلمه معمولاً قبلی پرته!	۰/۲۵	۱
۱۴	ترجم الكلمات التي تحتها خط. لِلسَّنَجَابِ الطَّائِرِ عِشَاءً خَاصًّا كَالْمِظَلَّةِ.		واژه نامه های هر درس، فوراً کتب خوبی برای طرح این سوالن!	۰/۵	۱
۱۵	ترجم الجملة إلى الفارسية المألوفة. يُعِدُّ الحوتُ الأزرقُ أكبرَ الكائناتِ الحيَّةِ.		فقط! باید بگم که متن تمرین ها هم کانیدا هستن برای طرح این سوال!	۰/۲۵	۱
۱۶	انتخب الترجمة الصحيحة. يَبْدَأُ يَنْتَرِ بقايا الطعامِ مِنْ فَمِهِ. (۱) بقیه های غذاها را از دهانش می خورد. (۲) شروع به نوک زدن باقی مانده های غذا از دهانش می کند.		شاه کلیدی ترجمه!	۰/۲۵	۱
۱۷	رَتِّبِ الكلمات و اكتب جملة كاملة تامة. «هدفاً - مَنْ - إلى - يذهب - التهانِي - يُسَجَّلُ»		مکالمه درس ها اولین و آفرین منبع برای طرح این سوالن!	۰/۲۵	۱
۱۸	عین فعل الشرط في الجملة الأولى و جواب الشرط في الجملة الثانية ثم ترجم الجملتين. الف) ما تَزْرَعُوا في الدُّنْيَا تَخْضُدُوا في الآخِرَةِ. ب) مَنْ زَرَعَ العُدُونَ حَصَدَ الحُسْرَانَ.		فعل شرط که از ادات شرط جدا نبی شه! جواب شرط کنی هلو تر میار!	۰/۲۵	۱
۱۹	أجب عن السؤال التالي. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟			۰/۲۵	۱
۲۰	عین الفعل المناسب للفراغ. الف) یا بِنَاتٍ رَجَاءً فِي الصَّفِّ. ب) الأَطْفَالُ فِي سَاحَةِ البَيْتِ. ج) یا أَحْمَدُ، أَلَا يَأْمَامِ المَشْجَرِ؟ لا تَتَكَلَّمُوا <input type="checkbox"/> لا تَتَكَلَّمْنَ <input type="checkbox"/> لا تَلْعَبُونَ <input type="checkbox"/> تَلْعَبُونَ <input type="checkbox"/> لا تَلْعَبَانِ <input type="checkbox"/> تَلْعَبَانِ <input type="checkbox"/> لا تَشَاهِدُونَ <input type="checkbox"/> تَشَاهِدُونَ <input type="checkbox"/>		با توجه به نشانه های جمله، باید گزینه مناسب رو انتخاب کنین!	۰/۲۵	۱
۲۱	املاً فراغات الترجمة الفارسية. يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَخَمْسِينَ قَدَمًا فِي فَرَسَةٍ وَاحِدَةٍ. می تواند در یک ، بیشتر از قدم		متن درس ها، تمرین ها، اینا منبع این نوع سوالن!	۰/۲۵	۱
۲۲	ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و النكرة ثم عین المعرفة. شَاهَدْتُ عِطْرًا حَسَنًا السَّمِّ فِي السُّوقِ فَاشْتَرَيْتُ العِطْرَ.	درس چهارم		۰/۵	۱
۲۳	ترجم الجملة إلى الفارسية المألوفة. لا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَجِدَ لَعْنَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ.		کتابای خرید قبلی متن مفور شدن! پس متن درس ها برای امتحان هم قبلی موهمن!	۰/۲۵	۱
۲۴	املاً فراغات الترجمة الفارسية. لِلْفِيروزِ أبَادِيٍّ مُعْجَمٍ مَشْهُورٍ بِاسْمِ القاموسِ يَصْمُ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ. فیروز آبادی مشهوری به نام القاموس که واژگان بسیاری را به زبان عربی		بارها گفته ام! بار دیگر می گویم! متن درس!	۰/۲۵	۱
۲۵	عین المناسب للفراغ. (کلمات زائدتان) الف) إِنَّ الدِّينِ الصَّلَاةَ. ب) حَبِیرُ الأُمُورِ ها. ج) لا تَتَّخِذْ واحداً وَ الواحدِ کَثِیرًا. د) هذا العَضُو بین جُمَّعَةِ نَقَارِ الحَشَبِ وَ مِنقارِهِ. ه) هذان القَرِیقانِ قَبْلَ أَسْبُوعَینِ. و) ﴿ إِنَّ تَتَّقُوا اللّٰهَ یَجْعَلْ لَکُمْ ﴾	ترکیبی	این سوال بیشتر به معنی و مفهوم جمله ها بستگی داره و این که دایره واژگانتون چه قدر گسترده باشه!	۱/۵	۱

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	شماره
۲۶	<p>عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع.</p> <p>(الف) جمال المرء فصاحة لسانه.</p> <p>(ب) الحكمة تعمّر في قلب المتكبر الجبار.</p> <p>(ج) من ساء خلقه عدّب نفسه.</p> <p>(د) المتجر مكان هادي للمطالعة.</p> <p>(هـ) يصنع الخبز من العجين.</p> <p>(و) الجناح عضو يطير به الطائر.</p>	۱/۵	
	موفق باشید	جمع نمرات	۲۰

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	آزمون شماره ۹				
	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم				
۱	الف) مهارت واژه‌شناسی ترجم کلمات التي تحتها خط. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ﴾				۰/۵
۲	ضَعِ الْمُرَادِفَ وَالْمُتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. (ثلاث كلمات زائدة) الْعِدَاوَةُ - الْأَحْيَاءُ - الشَّمَالُ - الْإِنْتِعَادُ - الْأَعْلَى الف) أَلَيْسَارٌ = ب) الْأَسْفَلُ ≠				۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) أَصْحَابٌ: ب) مَعْصِيَةٌ:				۰/۵
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف) لِسَانٌ <input type="checkbox"/> صَوْمٌ <input type="checkbox"/> ب) نَطَقٌ <input type="checkbox"/> حَكِي <input type="checkbox"/> وَجْهٌ <input type="checkbox"/> كَبِيرٌ <input type="checkbox"/> عَيْنٌ <input type="checkbox"/> حَدَثٌ <input type="checkbox"/>				۰/۵
۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی ترجم هذه الجملة إلى الفارسية المألوفة. الف) ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ ب) يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْعُيُوبِ، فَتَدَمَّ عَلَى أَعْمَالِهِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصَلِّحَهَا. ج) أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. د) الْأُسْتَاذُ أَدْرَ يَزِيدِي فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عَمْرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَ لَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. هـ) إِزْحَمُوا عَزِيزًا ذَلًّا، وَ غَنِيًّا افْتَقَرًا، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ.				۰/۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ ۱) با دهانشان آن چه را در قلب هایشان نیست می گویند و خدا به دروغی که بر زبان می رانند آگاه است. ۲) با دهان هایشان آن چه را در دل هایشان نیست می گویند و خدا به آن چه پنهان می کنند دانایتر است. ب) ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ ۱) و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. ۲) و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.				۰/۵
۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هر کس بخواهد مردم باشد، پس بر خداوند ب) ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاةً وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ روزی که آدمی آن چه را که با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ج) إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. پدرم سرور مردمش بود، اسیر را و را حفظ می کرد.				۱/۵
۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ب) يَا أَعْرَابِي، أَشْكُرُوا مَدْرَسَكُمْ. ج) إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ. د) إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ.				۰/۵
۹	عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ. الف) أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ب) يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اسْمَعْ كَلَامِي.				۰/۵

شماره	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	عربی زبان قرآن (۲)
نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۹			ردیف
۱	عین نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. ج) إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَان. د) لِي صَدِيقٌ صَبَّارٌ جِدًّا.	۱۰		
۰/۵	عین جواب الشرط، ثم عین الترجمة الصحيحة. مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى أَهْدَافِهِ. ۱) هر کس بسیار تلاش کند به هدفهایش می رسد. ۲) کسی که بسیار سعی می کند به هدفهایش خواهد رسید.	۱۱		
۰/۵	املاً الفراغ في الترجمة حسب القواعد التي قرأتها. اشترتُ اليومَ كتاباً قد رأيتُهُ من قَبْل. امروز کتابی را که قبلاً آن را	۱۲		
۱	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾	۱۳		
۱	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾	۱۴		
۱	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.	۱۵		
۱	أعرّب الكلمات التي تحتها خطٌ. (المحلّ الإعرابي و علامة الإعراب) يَكْتُبُ الْمُدْرَسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.	۱۶		
۱/۵	د) مهارت درک و فهم ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلمتان زائدتان) السَّرِير - مِثَاثٌ - جُوعٌ - المِظْلَّةُ - الخَائِبُ - الدَّوَابُّ - ظَلَامٌ - حَضِرَةٌ	۱۷		
۱/۵	الف) في اللّغة العربيّة الكلمات المَعْرَبَة ذات الأصول الفارسيّة. ب) اسْتَفِيدَ مِنْ أمام أشعة الشمس أو نزول المطر أو الثلج. ج) إِنَّ الرُّكْبَ جَمَاعَةٌ مِنَ المُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى د) الشَّرَشَفُ قِطْعَةٌ فُماشٍ توضع على هـ) عُصُونُ الأشجار في الشَّتَاءِ بديعةٌ و) العَدَاةُ بديئةُ النَّهَارِ وَ نِهَآئُهُ اللَّيْلِ.	۱۸		
۰/۲۵	عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة. الف) الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيْضَاءٌ أَوْ مَلَوْنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبُورَةِ وَ مِثْلِهَا. ب) الْأَبْكَمُ مِنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ مَوْتُهُ «بِكَمَاءٍ». ج) الْأَصْمُ مِنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى وَ مَوْتُهُ «صَمَاءً». د) يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ المِنَصْدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا. هـ) إرتفاع حرارة الجسم من علائم المَرَضِ. و) أوروبا أكبر قارة في العالم.	۱۹		
۰/۲۵	هـ) مهارت مکالمه أجب عن السؤال التالي. يم تسافر في البحر؟	۲۰		
۲۰	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «بِأَلْمٍ - صُدْرِي - فِي - بِكَ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ - .»			
جمع نمرات	موفق باشيد	۲۰		

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- ثلاثین / هفده به اضافه سیزده مساوی است با سی.

۲- «أَحَبُّ» و «أَنْفَعُ» اسم تفضیل و هر دو بر وزن «أَفْعَلُ» اند. فقط «أَحَبُّ» کمی تغییر قیافه داده است.

تجملات: «محبوبترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است.»

۳- این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.

۴- هنر نماز روزه حج

به جز «فَنِّ» بقیه کلمات، فریضه دینی اند.

۵- الف) تَمَوْجٌ ← جمع (نمونه‌ها)

ب) نَهَاةٌ ← مفرد (بازدارنده)

۶- «مَنْزُلٌ» بر وزن «مُفْعِلٌ» اسم مکان است.

تجملات: «خانهٔ مادر بزرگم به خیابان مطهری نزدیک است.»

۷- گزینه «۱» «أَنْكُرُ» اسم تفضیل است و باید به صورت صفت عالی ترجمه شود؛ یعنی

با «ترین». ضمناً «الأصوات» در گزینه (۲) ناپدید شده!

۸- حُبٌّ: «عَدَاوَةٌ» اسم مرفوعی است که ابتدای جمله آمده! پس قطعاً مبتدأست و مبتدأ

هم که همیشه مرفوع است. «صَدَاقَةٌ» هم بعد از حرف جرّ «مِنْ» آمده! پس مجرور به حرف جر است.

۹- الف) بدون نگاه به راست و چپ به خیابان نزدیک نشوید. («لَا تَقْتَرِبُوا» فعل نهی است.)

ب) یکی از شیشه‌ها در آزمایشگاه شکست. («انْكَسَرَتْ» فعل ماضی از باب انفعال است.)

ج) تا الان به کربلا سفر نکرده‌ایم. («ما سافَرْنَا» فعل ماضی منفی است.)

د) خوش اخلاقی را از پیامبر ﷺ یاد بگیر. («تَعَلَّمْ» فعل امر از باب تفاعل است.)

ه) خداوند به تو نیکی کرده است. («قَدْ أَحْسَنَ» فعل ماضی نقلی از باب افعال است.)

و) معلم قواعد این درس را به دانش آموزان یاد خواهد داد. («سَوْفَ يُعَلِّمُ» فعل مستقبل است.)

۱۰- الف) اگر استخوان پوسیده‌ام را ببوی، بوی عشق را می‌یابی.

ب) هر کس آزموده را بیازماید، پشیمان می‌شود.

۱۱- الف) «أَمَارَةٌ» بر وزن «فَعَالَةٌ» ← اسم مبالغه

تجملات: «بی‌شک نفس بسیار فرمان‌دهنده به بدی است.»

ب) «مُتَهَاجِمَةٌ» چون اولش «مُ» و عین‌الفعلش «بِ» دارد، اسم فاعل (از باب تفاعل) است.

تجملات: «این از هواپیماهای جنگی حمله‌کننده است.»

۱۲- الف) قَلَاةٌ = صَحْرَاءٌ: بیابان

ب) قُرْبٌ: نزدیکی ≠ بُعْدٌ: دوری

کلمه اضافی: رَكْبٌ: کاروان شتر یا اسب‌سواران

۱۳- مرغ مگس مرغ باران

شن‌ها دارکوب

واضح است که به جز «رمال» بقیه کلمات، نام پرنداند.

۱۴- سنجاب پرنده، پوششی ویژه مانند چتر دارد.

۱۵- نهنگ آبی بزرگ‌ترین موجود زنده به شمار می‌آید.

۱۶- گزینه «۲» «يَبْدَأُ بِ» یعنی «شروع می‌کند». ضمناً «تَقْرَأُ» یعنی «نوک‌زدن». «طَعَامٌ»

هم که مفرد است.

۱۷- مَنْ يَسْجَلُ هَدْفًا يَدْهَبُ إِلَى النَّهَائِيَّ: هر تیمی گلی به ثمر برساند، به دیدار پایانی

راه پیدا می‌کند.

۱۸- الف) «تَزْرَعُوا» فعل شرط است. «ن»ش هم به همین خاطر حذف شده! بد نیست

بدانید که «ما» ادات شرط است و «تَخْضَعُوا» جواب شرط.

تجملات: «آن‌چه در دنیا بکارید، در آخرت درو می‌کنید.»

ب) «حَصَدَ» فعل جواب شرط است اما چون ماضی است، ظاهرش تغییر نکرده! «زَرَعَ» فعل شرط و «مَنْ» هم ادات شرط است.

تجملات: «هر کس دشمنی بکارد، زبان درو می‌کند.»

۱۹- أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ (أَنَا إِيْرَانِيَّةٌ) / اهل کجایی؟ من ایرانی‌ام.

نکته مهم این است که اگر در سؤال «أَنْتَ» باشد، در جواب از «أَنَا» استفاده می‌کنیم.

۲۰- الف) يَا بَنَاتُ رَجَاءٌ لَا تَتَكَلَّمْنَ فِي الصَّفِّ: ای دختران، لطفاً در کلاس حرف نزنید.

«بنات» جمع مؤنث است. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» که فعل مذکر است به دردمان نمی‌خورد.

ناگفته پیداست که «لَا تَتَكَلَّمْنَ» فعل نهی است. یادتان هست که در جمع مؤنث «ن»

تحت هیچ شرایطی حذف نمی‌شد. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» هم اشتباه است.

ب) الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ فِي سَاحَةِ الْبَيْتِ: کودکان در حیاط خانه، بازی می‌کنند.

«الأطفال» جمع است، پس «يَلْعَبُونَ» که مثلاًست، به کارمان نمی‌آید. چون جمله دارد

درباره «الأطفال» صحبت می‌کند، «تَلْعَبُونَ: بازی می‌کنید» که مخاطب است هم به

کارمان نمی‌آید.

ج) به به! «أحمد» که اتفاقاً نام یکی از دوستانم است، مذکر است. پس «تُشَاهِدِينَ» که

فعل مؤنث است می‌رود پی سرنوشتش! وقتی به صورت سؤال خوب دقت کنیم، یک «ي»

می‌بینیم که قطعاً مفعول است. در سال دهم یاد گرفتیم که اگر فعل متعدی بخواهد

به ضمیر مفعولی «ي» بچسبد، یک «ن» به اسم «نون وقایه» باید بینشان بیاید. پس: «يا

أحمد، ألا تُشَاهِدُنِي أَمَامَ الْمُجَرِّ؟ ای احمد، آیا من را مقابل مغازه نمی‌بینی؟»

۲۱- می‌تواند در یک پرش، بیشتر از صد و پنجاه قدم پرواز کند.

۲۲- «عَطْرًا» در ابتدای عبارت با تنوین آمده که نکره است. بعدش که تکرار شده با «ال»

آمده که معرفه است. به ترجمه عبارت دقت کنید: «عطری خوش‌بو را در بازار دیدم و

آن عطر را خریدم.» «العَاقِلُ بِالْإِشَارَةِ!»

۲۳- نمی‌توانیم زبانی را بدون واژگان وارد شده بیابیم.

۲۴- فیروزآبادی واژه‌نامه‌ای مشهور به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان

عربی در بر می‌گیرد.

نکته مهم این عبارت «لِ + اسم: داشتن» است!

۲۵- الف) عَمَوَةٌ / ستون دین، نماز است.

ب) أَوْسَطُ / بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.

ج) عَدُوٌّ / یک دشمن هم نگیر که یکی هم زیاد است.

د) تَسْيِجٌ / این عضو، بافتی بین جمجمهٔ دارکوب و منقارش است.

ه) تَعَاذَلَا / این دو تیم، دو هفته پیش به تساوی رسیدند.

و) فُرْقَانًا / اگر تقوای خدا پیشه کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد.

کلمات اضافی: أَفْضَلُ: بهتر، صَدُوقًا: بسیار راستگو

۲۶- الف) درست / زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.

ب) نادرست / حکمت در دل انسان متکبر زورمند، ماندگار می‌شود. درستش این بود

که می‌گفت «لَا تَعْمُرْ: ماندگار نمی‌شود».

ج) درست / هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.

د) نادرست / مغازه جای آرامی برای مطالعه است. این تعریف مربوط به واژه «الْمَكْتَبَةِ:

کتابخانه» است.

ه) درست / نان از خمیر درست می‌شود.

و) درست / بال، عضوی است که پرنده با آن پرواز می‌کند.

- ج) پدرم سرور مردمش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و همسایه را حفظ می‌کرد.
 ۸- الف) چرا از خانه‌تان خارج نمی‌شوید؟ («لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است.)
 ب) ای عزیزانم، از معلمان سپاس‌گزاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است.)
 ج) آن‌ها از کار برنگشتند. («مَا رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است.)
 د) من به عراق سفر خواهم کرد. («سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است.)
 ۹- الف) شما از این کار سود خواهید برد. («سَتَنْتَفِعُونَ» فعل مستقبل است.)
 ب) ای دوست من، لطفاً به حرفم گوش بده. («اسْمَعْ» فعل امر است.)
 ۱۰- الف) «خَيْرٌ» اسم تفضیل است.

تجربیات: «شب قدر از هزار شب بهتر است.»

ب) «المُخْسِنِينَ» اسم فاعل از باب إفعال است. اولش «هـ» دارد و عین الفعلش «ی» گرفته!

تجربیات: «ای کسی که نیکوکاران را دوست داری.»

ج) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مُعَلَّة» اسم مکان است.

تجربیات: «کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان است.»

د) «صَبَّارٌ» بر وزن «فَعَالٌ» اسم مبالغه است.

تجربیات: «دوستی دارم که بسیار صبور است.»

۱۱- اول تکلیف ترجمه صحیح را مشخص کنیم. گزینه (۱) صحیح است. خُب حالا چرا؟
 «مَنْ» یعنی «هر کس» و «يُحَاوِلُ» که فعل شرط است باید به صورت التزامی ترجمه شود.
 «يَصِلُ» هم فعل جواب شرط است.

۱۲- امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. («قَدْ رَأَيْتُهُ» جمله وصفیه است و چون بعد از فعل ماضی آمده به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.)

۱۳- الف) (هرگز) به نیکی نخواهید رسید تا از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. («لَنْ») باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً «لَنْ» + «فعل مضارع» معادل مستقبل منفی است.
 ب) می‌خواهند که سخن خدا را تغییر دهند. («أَنْ») باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً خودش به صورت «که» و فعل مضارع بعدش به صورت التزامی ترجمه می‌شود.)

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. («لِ» در این آیه لام امر است. چون قبلیش «فَ» آمده ساکن شده. خودش هم که به صورت «باید» ترجمه می‌شود.)

ب) اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاوردید. («لَمْ + فعل مضارع» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است. راستی راستی! «لَمْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود.)

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. («كَانَ» + «فعل ماضی»: ماضی بعید)

ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. («كَانَ» + «فعل مضارع»: ماضی استمراری)

۱۶- «قَوَاعِدُ» به «الدَّرْسِ» اضافه شده و کسره «ی» گرفته! پس «الدَّرْسِ» مضاف‌الیه است و مجرور. «اللُّوْحُ» هم بعد از حرف جر «عَلَى» آمده پس مجرور به حرف جر است.

۱۷- الف) مینات / در زبان عربی صدها واژه عربی شده دارای ریشه فارسی هست.

ب) المِظْلَةُ / از چتر مقابل پرتوهای خورشید یا بارش باران و برف استفاده می‌کنم.

ج) الدَّوَابُّ / کاروان اسب‌سواران یا شترسواران گروهی از مسافران هستند که با چارپایان مسافرت می‌کنند.

د) الشَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت گذاشته می‌شود.

ه) خَصْرَةٌ / شاخه‌های درختان در زمستان تر و تازه و سرسبز است.

و) ظَلَامٌ / صبحگاه شروع روز و پایان تاریکی شب است.

کلمات اضافی: جوع: گرسنگی، الخائب: ناامید

۱۸- الف) درست / گچ نوشتار، چیز سفید یا رنگی است که با آن روی تخته سیاه نوشته می‌شود.

ب) درست / لال کسی است که نمی‌تواند حرف بزند و مؤنثش «بَكْمَاء» است.

ج) نادرست / ناشنوا کسی است که نمی‌تواند ببیند و مؤنثش «صَمَاء» است. (این تعریف مربوط به واژه «الأَعْمَى» نابینا است.)

د) نادرست / در تیم پینگ‌پنگ یازده بازیکن بازی می‌کنند. (در تیم «كرة القدم» فوتبال) یازده بازیکن بازی می‌کنند.)

ه) درست / بالا رفتن حرارت بدن از نشانه‌های بیماری است.

و) نادرست / اروپا بزرگ‌ترین قاره در جهان است. (حتماً می‌دانید که آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است.)

۱۹- بالسَّفِيَةِ / در دریا با چه چیزی سفر می‌کنی؟ با کشتی.

۲۰- ما يَلِكُ: أشعُرُ يَألمُ في صَدْرِي: تو را چه می‌شود؟ در سینه‌ام احساس درد می‌کنم.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و بین هیچ‌کدام از آن‌ها فرق نگذاشتند، مزدهایشان را (خدا) به آن‌ها خواهد داد.

۲- الف) الیسار = السَّمال: چپ

ب) الأَسفل: پایین‌تر ≠ الأعلی: بالاتر

کلمات اضافی: العداوة: دشمنی، الأخیاء: زندگان، الإبتعاد: دور شدن

۳- الف) أصحاب مفرد ← صاحب (دوست)

ب) مَعْصِيَةٌ جمع ← معاصی (گناهان)

۴- الف) زبان روزه

صورت

ب) به زبان آورد چشم

بزرگ شد حکایت کرد

سخن گفت

۵- الف) آیا ندانسته‌اند که خداوند همان است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد؟

ب) حکایت می‌شود که مردی پرگناه بود و از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که آن‌ها را اصلاح کند.

ج) به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود و از قلبی که فروتنی نکند و از دانشی که سود نرساند. («لَا تَشِيْعُ»، «لَا يَخْشَعُ» و «لَا يَنْفَعُ» جمله وصفیه‌اند.)

د) استاد آذربیدی در بیست سالگی‌اش کارگری ساده بود. سپس کتاب‌فروش شد و در زندگی‌اش (هرگز) به مدرسه نرفت.

ه) به عزیزی که خوار شده، به توانگری که فقیر شده و دانشمندی که بین نادانان تباه شده، رحم کنید.

۶- الف) گزینه «۲» «أفواه» جمع است، «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و «يَكْتُمُونَ» در گزینه (۱) اشتباه ترجمه شده!

ب) گزینه «۲» «أهل» به معنای «خانواده» است. ضمناً «كَانَ يَأْمُرُ» معادل ماضی استمراری است.

۷- الف) هر کس بخواد قوی‌ترین مردم باشد، پس بر خداوند باید توکل کند.

ب) روزی که آدمی آن‌چه را که با دست‌ان پیش فرستاده است می‌نگردد و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.

درس نامه توپ برای شب امتحان

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مَوَاعِظُ قَيِّمَةٌ

اسم تفضیل واسم مکان

اسم تفضیل

به مثال های زیر دقت کنید:

الف) هَذَا أَكْبَرُ مَنْزِلٍ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ: این بزرگترین خانه در این شهر است.

ب) هَذَا الْكِتَابُ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ: این کتاب از آن (یکی) بهتر است.

به کلماتی مانند «أكبر و أفضل» در عربی اسم تفضیل می گوئیم. این اسم در عربی بر وزن «أفعل» می آید. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است.

یک مثال دیگر از اسم تفضیل ببینیم و بعد به نکاتش بپردازیم:

لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست.

کلمات

۱) اسم تفضیل گاهی تغییر قیافه می دهد و شما آن را به صورت «أفعلی» و «أفعل» هم می بینید.

مثال: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: دوست داشتنی ترین بندگان خداوند، کسی است که به مردم سود برساند.

هَذَا السَّرْوَالُ أَغْلَى مِنْ بَقِيَّةِ السَّرَاوِيلِ: این شلوار از بقیه شلوارها، گران تر است.

۲) مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعَلَى» می آید.

مثال: جَلَسَتْ الْأُخْتُ الْكُبْرَى عِنْدَ الْأُخْتِ الصَّغْرَى: خواهر بزرگتر نزد خواهر کوچکتر نشست.

اما و اما. به مثال زیر دقت کنید:

مثال: آيِدَا أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ: آیدا از فاطمه کوچکتر است.

فکر می کنم خودتان متوجه این نکته مهم شدید که برای مقایسه بین دو اسم مؤنث از اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أفعل») استفاده می کنیم. اسم تفضیل فقط وقتی بر وزن «فُعَلَى» می آید که صفت اسم مؤنث شود، مثل همان مثال اولی!

۳) جمع اسم تفضیل بر وزن «أفَاعِل» می آید.

مثال: إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَنْجَالُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می شوند. («الأرادل» جمع «الأردل» و «الأنجال» جمع «الأفضل» است.)

۴) حُب! حالا یک نکته مهم! از سال هفتم تا الان، حتماً دو کلمه «حَبِيبٌ» و «سَرٌّ» را در کتاب هایتان خیلی دیده اید. این دو اسم هم، می توانند اسم تفضیل باشند. البته به دو شرط: ۱- بعد از آن ها «مِن» بیاید.

مثال: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَبِيبٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: شب قدر از هزار ماه، بهتر است.

۲- مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن ها مضاف الیه بیاید.

مثال: سَرٌّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ: بدترین مردم، مردمان دورو هستند.

مضاف مضاف الیه

از هر کدام دوباره یک مثال ببینید لطفاً:

مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ سَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

حَبِيبٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عَيْبَكُمْ:

مضاف مضاف الیه

بهترین برادرانتان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند.

فَن تَرْجِمَهُ

حتماً تا حالا متوجه شده اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر، ترین» استفاده می کنیم. حالا ببینیم کی از «تر» و کی از «ترین» استفاده می کنیم:

۱) «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل «مِن» بیاید، در ترجمه آن از «تر» کمک می گیریم.

مثال: الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ مِنَ السَّيَّارَةِ: هواپیما از ماشین، سریع تر است.

راستی راستی! اسم تفضیل اگر صفت هم شود، در ترجمه اش، سر و کله «تر» پیدا می شود.

مثال: الْوَالِدُ الْأَكْبَرُ: پسر بزرگتر

موصوف صفت

الْبِنْتُ الصَّغْرَى: دختر کوچکتر

موصوف صفت

۲) «ترین»: اگر اسم تفضیل مضاف شود، در ترجمه اش از «ترین» کمک می گیریم.

مثال: أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

اسم تفضیل مضاف الیه

(مضاف)

داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود، بیفزاید.

اسم مکان

از اسمش پیداست که بر مکان دلالت می کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می آید.

مثال: أَخِي الْأَصْغَرُ يَعْمَلُ فِي مَصْنَعِ الْكِرَاسِيِّ: برادر کوچکترم در کارخانه صندلی کار می کند.

ذَلِكَ مَنْزِلُ صَدِيقِي: آن خانه دوستم است.

هُنَاكَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ قُرْبَ بَيْتِنَا: کتابخانه بزرگی نزدیک خانه ما هست.

توجه: دوستان خوب! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار می رود، ولی «مَفْعِل» و «مَفْعَل» بین مکان و زمان مشترک اند. فقط در جمله می توانیم بفهمیم برای مکان به کار رفته اند یا زمان.

مثال: الرَّؤَاةُ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ فِي مَوْسِمِ الْحَجِّ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می روند.

إِنَّ الْمَرْأَةَ تَزَلُّ مِنَ الْمَحِيلِ: زن از کجاوله پایین آمد.

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مَبْدَأُ الْعَامِ الْهِجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمُحَرَّمُ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است.

أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ:

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذاست.

کتاب: جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید.

مثال: «مَطَايِع» جمع «مَطْبَعَةٌ»: چاپخانه، «مَطَايِع» جمع «مَطْعَمٌ»: رستوران، «مَدَارِس»

جمع «مَدْرَسَةٌ»: مدرسه، «مَنَازِل» جمع «مَنْزِل»: خانه

کلمات و عبارات مهم درس

فعلها

أَغْفَضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور
تَعْمُرُ: عمر می کند، ماندگار می شود
لَا تُصْعِرْ حَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان
أَفْصِدُ: میانه روی کن



مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

﴿جَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: با روشی که نیکوتر است، با آن‌ها ستیز کن که پروردگارت به (حال) کسی که از راهش گمراه شده، آگاه‌تر است.

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَّتْ نَفْسُهُ: هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من فقط برای کامل کردن بزرگواری‌های اخلاق مبعوث شدم. (من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم)

حَسَنَتٌ: نیکو گرداندی

أَثَقَلُ: سنگین‌تر (اسم تفضیل)

المیزان: ترازوی اعمال

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾: خداوند کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.

جدول اسم تفضیل	
اسم تفضیل	صفت مفعولی
أَحْسَنُ: نیکوتر، نیکوترین	حَسَنٌ: نیکو
أَنْكَرُ: زشت‌تر، زشت‌ترین	—
أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	كَبِيرٌ: بزرگ
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عَالِيٌ: عالی، بلند
أَنْفَعُ: سودمندتر، سودمندترین	نَافِعٌ: سودمند
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	غَالِيٌ: گران
أَقَلُّ: کم‌تر، کم‌ترین	قَلِيلٌ: کم
أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین	كَثِيرٌ: بسیار
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین	مَحْبُوبٌ: محبوب
أَعْلَمُ: داناتر، داناترین	عَلِيمٌ: دانای
أَفْضَلُ: بهتر، بهترین	—
خَيْرٌ: بهتر، بهترین	خَيْرٌ: خوب
شَرٌّ: بدتر، بدترین	شَرٌّ: بد
أَرْحَمُ: مهربان‌تر، مهربان‌ترین	رَحِيمٌ: مهربان
أَوْسَطُ: میانه‌ترین	—
أَثْقَلُ: سنگین‌تر، سنگین‌ترین	ثَقِيلٌ: سنگین
أَرْحَصُ: ارزان‌تر، ارزان‌ترین	رَخِيسٌ: ارزان

جدول اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَبٌ: ورزشگاه	لَعِبٌ: بازی
مَطْعَمٌ: رستوران	طَعَامٌ: غذا
مَصْنَعٌ: کارخانه	صَنَّعٌ: ساختن
مَطْبَخٌ: آشپزخانه	طَبَخٌ: پختن
مَحْمِلٌ: کجاوه	حَمَلَ: بردن
مَنْزِلٌ: خانه	نَزَلَ: اقامت
مَكْتَبَةٌ: کتابخانه	كَتَبَ: نوشتن
مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	طَبَعَ: چاپ کردن
مَدْرَسَةٌ: مدرسه	دَرَسَ: تحصیل
مَشْجَرٌ: مغازه	تِجَارَةٌ: دادوستد

أَقِمُّ: بر پای دار
إِنَّهُ: بازدار
أَوْمَرُ: دستور بده

سایر کلمات و عبارات

جَبَّارٌ: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»
إِدْنٌ: بنابراین
إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن
أَنْكَرُ: زشت‌تر، زشت‌ترین
تَرْبُويٌ: پرورشی
مُخْتَالٌ: خودپسند
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند
نَمُودَجٌ: نمونه
حَمِيرٌ: خرها
فُنُونٌ: هنرها
قِيمٌ: ارزشمند
مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی
ناهي، ناه: بازدارنده

متن درس

أَحْسَنُ حَالٍ: بهترین حال
الْفُنُونُ النَّافِعَةُ: هنرهای سودمند
الْإِتِّعَادُ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَفَاضِلِ: دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان
الْإِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكُهُبَاءِ: صرفه‌جویی در مصرف آب و برق
يُقَدِّمُ لِأَبْنَيْهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ: به پسرش، پنجاهای ارزشمندی تقدیم می‌کند.
هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبُويٌ لِيَهْتَدِي بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ: این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.

﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: ای پسرکم، نماز را بر پای دار و به کار خوب دستور بده و از کار زشت بازدار و بر آن چه به تو رسیده است، صبر پیشه کن که آن از کارهای مهم است.
﴿وَ لَا تَضَعُ حَذَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْسُقْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: رویت را با تکبر از مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو که خداوند هیچ خودپسند خودشیفته‌ای را دوست ندارد.

﴿وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾: در راه رفتنت، میانه‌رو باش (نه تند برو و نه آهسته) و از صدایت بکاه؛ زیرا زشت‌ترین صداها، بی‌گمان صدای خران است.

ناهین عَنِ الْمُنْكَرِ: بازدارنده از کار زشت
الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ: حکمت در دل فروتن ماندگار می‌شود و در دل خودپسند ستمکار زورمند، ماندگار نمی‌شود.
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَيَّ الْآخِرِينَ: بی‌شک خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد؛ بنابراین نباید نسبت به دیگران تکبر ورزیم.
شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مُنْطَقِي بِصَوْتِ الْحِمَارِ: خداوند، سخن کسی را که صدایش را بدون دلیلی منطقی بالا ببرد، به صدای خر تشبیه کرده است.

کلمات حواری (گفت‌وگو)

سِعْرٌ: قیمت
أَرْحَصُ: ارزان‌تر
التَّوَعُّبَةُ: جنس، کیفیت
تَخْفِيفٌ: تخفیف
سِتُونَ أَلْفٌ: شصت‌هزار
غَالِيَةٌ: گران
رَمِيلٌ: همکار
مَشْجَرٌ: مغازه

کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش اضافه کند.

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترینشان برای بندگان است.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر چیزی که آفریده است.

شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم (شَرٌّ: اسم تفضیل)
خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

صناعة التلميح في الأدب الفارسي

اسم فاعل، اسم مفعول واسم مبالغه

در زبان عربی، اسم‌ها وزن‌های مخصوصی دارند که این وزن‌ها، هر کدام معنای ویژه‌ای به آن‌ها می‌بخشند. در این درس با این قالب‌ها آشنا می‌شویم.

اسم فاعل

اسم فاعل در عربی، همان صفت فاعلی فارسی است که به معنای انجام‌دهنده یا دارنده حالت است. اسم فاعل به دو شکل ساخته می‌شود:

الف) از فعل‌های ثلاثی مجرد (که ریشه اصلی‌شان سه حرف است) بر وزن «فاعل» می‌آید.

مثال

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی
رَحِمَ	رَاحِم	رحم‌کننده
عَلِمَ	عَالِم	دانا
ظَلَمَ	ظَالِم	ستمگر

ب) از فعل‌های ثلاثی مزید (همان باب‌های هشتگانه منظوم است) چه طور؟! خُب! از فعل مضارع این فعل‌ها، حرف مضارعه (ب) را حذف می‌کنیم، به جایش یک «م» می‌آوریم و حرکت عین‌الفعل (یکی مانده به آخر) را «ه» می‌دهیم. به جدول زیر دقت کنید:

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی
يُخْرِجُ	مُخْرِج	بیرون آورنده، خارج‌کننده
يُعَلِّمُ	مُعَلِّم	آموزگار
يَتَكَلَّمُ	مُتَكَلِّم	گوینده
يُجَاهِدُ	مُجَاهِد	رزمنده، مجاهد
يَعْتَمِدُ	مُعْتَمِد	اعتمادکننده
يَسْتَعِذُّ	مُسْتَعِذِّم	به‌کارگیرنده، استفاده‌کننده
يَنْزِعُ	مُنْزِع	ناراحت، نگران
يُقْتَرِحُ	مُقْتَرِح	پیشنهاددهنده

فن ترجمه: اسم فاعل

همان‌طور که دیدید در ترجمه اسم فاعل از پسوندی کمک می‌گیریم که مفهوم «انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت» را برساند؛ مثل «نده، گار، ا». گاهی هم صفت فاعلی بدون پسوند است. به مثال‌های قبلی دوباره دقت کنید:

مُخْرِج: بیرون آورنده، مُعَلِّم: آموزگار، مُتَكَلِّم: گوینده، مُجَاهِد: رزمنده، مُعْتَمِد: اعتمادکننده، مُسْتَعِذِّم: به‌کارگیرنده، مُنْزِع: ناراحت، نگران (دارنده حالت)، مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده.

اسم مفعول

اسم مفعول اسمی است که کار روی آن انجام می‌شود. این اسم هم مثل اسم فاعل دو جور روش ساخت دارد:

الف) از فعل‌های ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود.

مثال

فعل ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی
خَلَقَ	مَخْلُوق	آفریده‌شده
فَتَحَ	مَفْتُوح	بازشده
ظَلَمَ	مَظْلُوم	مورد ستم قرار گرفته، مظلوم

جدول مترادف

تَقَرَّبَ = نزدیک شدن	مُخْتَالَ = خودپسند	مُتَعَجِّبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند
أَقْرَبَ = نزدیک شدن	أَفْضَلَ = بهتر، بهترین	خَيْرٍ = بهتر، بهترین
أَنْكَرَ = زشت‌تر، زشت‌ترین	أَفْضَحَ = زشت‌ترین	

جدول متضاد

أَرَادِلَ = فرومایگان	أَفْاضِلَ = شایستگان	صَلَّ = همراه شد	إِهْتَدَى = هدایت شد
مُنْكَرَ = کار زشت	مَعْرُوفَ = کار خوب	فَخْرُوفُ = فخر فروش	مُتَوَاضِعَ = فروتن
مُتَعَجِّبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند	مُتَوَاضِعَ = فروتن	مُخْتَالَ = خودپسند	مُتَوَاضِعَ = فروتن
أَنْكَرَ = زشت‌تر	أَجْمَلَ = زیباتر	نَاهِي = بازدارنده	أَمْرَ = دستوردهنده
إِنَّهُ = بازدار	أَوْمَرُ = دستور بده	أَكْبَرَ = بزرگ‌تر، کوچک‌ترین	أَصْغَرَ = کوچک‌ترین
أَكْثَرَ = بیشتر، بیشترین	أَقَلَّ = کم‌تر، کم‌ترین	أَرْحَضَ = ارزان‌تر، ارزان‌ترین	أَعْلَى = گران، گران‌ترین
خَيْرٍ = خوب، خوبی، بهترین، بهترین	شَرٌّ = بد، بدی، بدتر، بدترین	إِبْتِعَادَ = دور شدن	تَقَرَّبَ = نزدیک شدن
سَاءَ = بد شد	حَسَنَ = نیکو شد	عَدَاوَةَ = دشمنی کردن	صَدَاقَةَ = دوستی

جدول جمع مکسر

جمع	مفرد	ترجمه
آباء	أَب	پدر
فنون	فَنَّ	هنر
اراذل	أَرْذَلُ	فرومایه
افاضل	أَفْضَلُ	شایسته
مواعظ	مَوْعِظَةٌ	پند
زملاء	زَمِيل	همکار
جیران	جَار	همسایه
اقرباء	قَرِيب	خویشاوند
جمار	حَمِير	خر
نُهاة	نَاهِي	بازدارنده
نماذج	نَمُودَج	نمونه
بهایم	بَهِيمَةٌ	چهارپا
اخوان	أَخ	برادر، دوست
مدارس	مَدْرَسَةٌ	مدرسه
ملاعب	مَلْعَب	ورزشگاه
مطاعم	مَطْعَم	رستوران
منازل	مَنْزِل	خانه
أسعار	سِعْر	قیمت
سراويل	سِرْوَال	شلوار